

مبتکر واقعی فن مقامات

دکتر محمد شیخ

عضو هیأت علمی دانشگاه سیستان و بلوچستان

چکیده

کلمه «مقامه» در قرن چهارم هجری اولین بار توسط بدیع الزمان همدانی بر نوعی داستان کوتاه که با الفاظی مسجع و مزین به صنایع لفظی تنظیم شده بود، اطلاق شد. وی در شکل و محتوای «مقامه» از اندیشه گذشتگان و اوضاع و احوال اجتماعی فرهنگی زمان بهره گرفت. «مقامات» او مورد توجه بسیاری قرار گرفت و به تقلید از سبک و اسلوب او دیگران هم «مقامات» نگاشتند. حریری (متوفی ۵۱۰ هـ) مهمترین مقلد او محسوب می شود که در تقلید خویش گویا چنان ابتکاری داشته که تاکنون کسی به پای او نرسیده است. در این گفتار کوشیده ایم از پیدایش مقامه نویسی و ابتکار و تقلید این فن سخن بگوئیم.

واژگان کلیدی: مقامه، مجلس، ابتکار، تقلید

مقدمه

«مقامه» به فتح اول یا ضم آن از ریشه قام يقوم قوماً و قیاماً به معنی مجلس و جماعت به کار رفته است «المقام والمقامه: المجلس ومقامات الناس: مجالسهم»
 «مقام» به فتح اول یا ضم آن در آیات قرآن هم وارد شده است. «لا مقام لکم» یعنی «لا موضع لکم» و «دارالمقام» در آیه شریفه «الذی احلنا دارالمقام» به معنی «دارالاقامه» است.

در دوره های مختلف ادبی هم «مقامه» نزد شعراء و ادباء مستعمل بوده است. زهیر در شعر جاهلی «مقامات» را به معنی «مجالس» به کار برده و می گوید:

وَفِيهِمْ مَقَامَاتٌ حَسَانٌ وَجُوهُهُمْ
وَأَنْدِيَةٌ يَنْتَابُهَا الْقَوْلُ وَالْفِعْلُ

آنها مجالس و محافلی دارند که گفتار و کردار نیک در آن مطرح است.

در قرن سوم «مقامه» را مرادف «حدیث» استعمال کرده اند. بدان گونه که شخصی در مقابل خلیفه ایستاده و به منظور وعظ سخن رانده است. ابن قتیبه (متوفی ۲۷۶ هـ) در عیون الاخبار فصلی را به عنوان «مقامات الزهاد عند الخلفاء والملوک» تخصیص داده و بسیاری از نمونه های این مقامات را آورده است.

بالاخره «مقامه» پس از چند قرن استعمال در شعر شعراء و نثر ادباء و دربار خلفاء در معانی یاد شده در قرن چهارم هجری توسط بدیع الزمان همدانی بر نوعی نثر فنی اطلاق شد که غالباً به استغاثه گدایان و سؤال نیازمندان و بینوایان اختصاص داشت. اسلوب زیبا همراه با داستانی کوتاه حکایت زندگی اجتماعی را داشت که وی در آن زندگی می کرد. نیکوست زندگی بدیع الزمان و اوضاع و احوال سیاسی، اجتماعی او را به طور اجمالی بدانیم تا نقش وی در ابتکار یا تقلید این فن بهتر مشخص شود.

زندگی بدیع الزمان

ابوالفضل احمد بن حسین همدانی معروف به بدیع الزمان در سال ۳۵۸ هجری متولد شد و در سنین نوجوانی پا به عرصه علم و ادب گذاشت. وی از محضر احمد بن فارس، ادب و لغت و از ابوبکر الفراء، حدیث آموخت. در آغاز جوانی همدان را به قصد ری ترک کرد و به صاحب بن عباد وزیر آل بویه پیوست ابن عباد ابتدا در محافل و مجالس او را به خود نزدیک کرد اما با وجود زمینه های مختلف علمی، ادبی و مادی پس از یک سال ری را به مقصد گرگان ترک نمود. در سبب این کناره گیری آورده اند که همدانی یکی از پیروان متعصب اهل سنت به شمار می آمد و صاحب شیعی سرسخت بود، دیگر آنکه «صاحب» شوخ طبعی و خصلت انتقاد جویانه داشت و بزودی می توانست گریبان همدانی را بگیرد. ثعالبی دلیل سومی هم در آنچه مربوط به ابطال وضو می شود، آورده است و در عبارتش از «صریر التخت و صریر التحت» یاد کرده است. ولی به نقل از خود همدانی آن را تکذیب می نماید.

ضمن آنکه هر کدام از دلایل مذکور می تواند درست باشد ، آثار بدیع الزمان ما را به معرفت و شناختی رهنمون می شود که وی شخصی زیرک ، با هوش و اهل علم و «صاحب» هم وزیری دور اندیش بوده است . لذا ممکن است «صاحب» از ترس این که مبدا این جوان مزاحم مجالس وی گردد و جایگاه ادبی اش را خدشه دار کند خیلی زود او را از خود دور کرده است .

بدیع الزمان سپس به گرگان واز آنجا هم به نیشابور سرزمین ابوبکر خوارزمی عزیمت کرد . در نیشابور مناظره ای مخاصمه آمیز بین او و خوارزمی روی داد و در آن همدانی به قصد تخریب شخصیت حریف از بدترین هجوها استفاده کرد و بسیاری از حرمتها و ارزشها را شکست و ادبیات رابه صحنه کار زاری بی منطق تبدیل کرد و خود را پیروز این میدان نامید .

در خصوصیات اخلاقی بدیع الزمان گفته اند بسیار مغرور و حریص مال و مقام بود و چشمش را توان دیدن هیچکس نبود و تا می توانست فضلا را بی مقداری کرد و هرکس برایش سودمند نبود بدو پشت نموده کینه اش را به دل می گرفت .

ثعالبی که از دوستان نزدیک بدیع الزمان است به نیکویی از او یاد نموده و او را صاحب وجهه ای پسندیده ، خوش مشرب ، دارای خلق نیکو و نفس شریف ، دوستی خالصانه و عداوت تلخ می داند.

آثار باقیمانده از بدیع الزمان دیوان شعر ، مجموعه رسائل و مقامات اوست تعداد مقامات وی را ۴۰۰ ذکر کرده اند که غالباً از بین رفته و حدود ۵۰ مقامه باقیمانده است . او با به جای گذاشتن این آثار در سال ۳۹۸ هجری بر اثر سگته در گذشت .

آنچه گذشت مروری گذرا بر زندگی بدیع الزمان به روایت تاریخ بود با تأمل در نوشته های ثعالبی و نظرات ویکتور کک پیداست که بین این دو هماهنگی وجود ندارد . یکی از او به نیکویی یاد می کند و دیگری او را مغرور و حریص مال و مقام می داند. تنها با تدبیر در آثار او می توان به حقیقت دست یافت .

می دانیم که شعر و نثر چون مرکبی است که بار غم و شادی و آمال و افکار شاعر یا نویسنده را حمل می کند یا به عبارت دیگر اثر ادیب و هنرمند زائیده شخصیت اوست که در قالب الفاظ متیلور است و تداعی بخش صاحب هنر به حساب می آید.

مقامات بدیع الزمان که بخش مهمی از آثار اوست به نوعی از شخصیت نویسنده حکایت می کند. آنجا که در مقامه «الوصیه» ابوالفتح فرزندش را برای تجارت آموزش می دهد و بیخشندگی و گوشت خواری را سبب فقر و نداری و راز پیشرفت را در روزه داری و نان نمک و پیاز خواری می داند و در معامله با مردم هم او را بازیگر شطرنج می کند که تمام مال مردم را بگیرد و همه متاع خویش را محکم گیرد با چنین وصایایی نمی توان نویسنده را اهل جود و انفاق دانست .

یا آنجا که در مقامه «شامیه» و «رصافیه» و «دیناریه» از زشت ترین و رکیک ترین تعبیرها و دشنامها و هجومها استفاده می کند نمی توان از قائل اقوال عفت گفتار انتظار داشت . بلکه به قول زکی مبارک ، بدیع الزمان (مُعْرِی بِرَسْمِ السَّوَاتِ ... و له غَرَامٌ بِالْأَهْجِ الْمُقَدِّعَاتِ «عاشق زشتیها و هجوهای تند و گزنده بود .

آنجا که در شش مقامه به مدح امیر سیستان خلف بن احمد پرداخت . جز حرص و ولع و مال دربار به چه می توان اندیشید . بعید نیست از دلایل رانده شدن از دربار عباد چشم داشتن به موقعیت وی و از اسباب تخریب شخصیت خوارزمی نظر دوختن به موقعیت اجتماعی آن عالم فاضل بوده باشد .

به هرحال بدیع الزمان در جامعه ای زیست که شاهد حکومتهای مقتدری در اطراف و اکناف قلمرو حکومت عباسی بود . در ری آل بویه حکومت می کردند و ادبای بزرگی چون ابن العمید و پسرش ابوالفتح ، صاحب بن عباد ، ابن سعدان ، مهلبی یکی پس از دیگری سمت وزارت را بر عهده داشتند . قابوس بن وشمگیر صاحب رسائل نیکو در طبرستان حکومت می کرد و خراسان سرزمین خوارزمی به دست سامانیان بود .

امارت کوچک حمدانیان در حلب و موصل به پادشاهی سیف الدوله بسیاری از شعراء و ادباء را در خود جمع کرده بود که از آن جمله می توان به متنبی ، ابوفراس ، السری الرفاء ، صنوبری و.... اشاره کرد .

از پدیده های مهم اجتماعی در قرن چهارم می توان به تکدی گری و فقر و دزدی اشاره کرد . دزد معروف بغداد ابن حمدی نام داشت و احنف و ابوالدلف از شعراء مشهور اهل کدیه بودند که گاه از شعر آنها در اقتباسهای بدیع الزمان به چشم می خورد .

با آنکه علماء و ادباء از جهت علمی و ادبی در موقعیت بسیار خوبی بودند اما از نظر اقتصادی برخی در خدمت دربار باصله از وزراء و امراء زندگی می کردند و بعضی چون ابو سلیمان منطقی و ابوحیان توحیدی و ابوعلی قالی با سختی و ننداری و حتی گاه با سبزه خواری و فروختن کتابهایشان شب و روز می گذراندند .

به طور خلاصه می توان گفت قرن چهارم عصر اضطراب در سیاست و فساد در اجتماع و شکوفایی در ادبیات و پیشرفت اندیشه و فکر بود .

مبتکر مقامات

می دانیم که ادبیات هر دوره آینه تمام نمای زندگی آن عصر است به عبارت دیگر شاعر یا نویسنده در واقع نقاشی است که از تحولات، دگرگونیها و مسائل اجتماعی عصر خویش تابلو ترسیم می کند .

بدیع الزمان همدانی تحت تأثیر اوضاع عصر خود در رسائل همواره به مسائل اجتماعی پرداخته و حکام را به انصاف و حسن سیرت و عزل حاکمان ظالم می خواند و فساد و ظلم حاکمان بر مردم را در گرفتن مالیات به تصویر می کشد . او در مقاماتش پدیده های اجتماعی آن روز چون کدیه - که شایع ترین پدیده زمان بوده - انواع سرقت، مجالس خمر، نفاق اجتماعی و اختلافات خانوادگی را آشکار می کند .

بدون شک تواناییهای ادبی بدیع الزمان بسیاری را شگفت زده کرده و حتی در دوره های بعد کسانی چون ابن نباته و ابن ناکیا و حریری که خود از بزرگان ادب به شمار می رفتند تواناییهای خویش را در تقلید از بدیع الزمان به کار گرفتند و به تلویح یا تصریح او را مبتکر و خود را مقلد این فن خواندند . چنانکه حریری در این باره می گوید : « قَدْ جَرَى بَعْضُ أُنْدِيَةِ الْأَدَبِ ذِكْرُ الْمَقَامَاتِ الَّتِي ابْتَدَعَهَا بَدِيعُ الزَّمَانِ وَعَلَامَةُ هَمْدَانَ ... فَأَشَارَ مِنْ إِشَارَتِهِ حُكْمٌ وَطَاعَتُهُ غَنَمٌ إِلَى أَنْ أُنشِيَ مَقَامَاتٍ أَتْلُو فِيهَا تَلْوًا لِلْبَدِيعِ ... هَذَا مَعَ اعْتِرَافِي بِأَنَّ الْبَدِيعَ رَحْمَةً ... سَبَاقُ غَايَاتٍ وَصَاحِبُ آيَاتٍ وَ إِنَّ الْمَتَّصِدِيَّ بَعْدَهُ لِأَنْشَاءِ مَقَامِهِ لَوْ أَوْتِيَ بِلَاغَةِ قَدَامِهِ لَا يَغْتَرَفُ إِلَّا مِنْ قُضَائِهِ ... وَ لَا يَسْرِي ذَلِكَ الْمَسْرَى إِلَّا بِدَلَالَتِهِ (۱۲) »

در یکی از مجالس ادب از مقاماتی که بدیع الزمان و علامه همدان ابداع کرده بود سخن به میان آمد . پس آنکه اشاره اش دستور و اطاعتش غنیمت است (انوشروان بن خالد) خواست تا

مقاماتی به پیروی از بدیع بنویسم... (این کار را انجام دادم) با اعتراف به اینکه بدیع (روح) پیشتر از اهداف و صاحب آیات است و دنباله رو او در نگارش مقامه هر چند بلاغت قدامه بدانند جز ته مانده مشرب او را بر نمی دارد و.... جز به راهنمایی او بدین راه نمی رود.

برخی در واژه ابتکار موشکافی کرده تا سرنخهایی از تقلید پیدا کنند. لذا تشابهاتی بین او و ابن درید یافته اند. از جمله صاحب زهرالآداب مقامات بدیع الزمان را الهام بخش احادیث ابن درید می داند آنجا که می گوید:

«وَلَمَّا رَأَى (الهمدانی) أَبَا بَكْرٍ مُحَمَّدَ بْنَ الْحُسَيْنِ بْنِ ذُرَيْدِ الْأَزْدِيِّ أَغْرَبَ بِأَرْبَعِينَ حَدِيثًا وَذَكَرَ أَنَّهَ اسْتَنْبَطَهَا مِنْ يَتَابِعِ صَدْرِهِ وَاسْتَنْخَبَهَا مِنْ مَعَادِنِ فِكْرِهِ عَارِضَهَا بِأَرْبَعَمَائِهِ مَقَامِهِ فِي الْكَدِيَةِ»
وقتی همدانی، ابوبکر محمد بن حسین بن درید را دید که به چهل حدیث شگفت زده شده و گفته است که آنها را از چشمه های سینه اش استنباط کرده و از معادن اندیشه اش برگزیده است با ۴۰۰ مقامه در موضوع کدیه به معاوضه با او برخاست.

شاید آنچه باعث شده تاحصری ابتکار مقامات را از بدیع الزمان سلب و به ابن درید نسبت دهد تشابهاتی است که بین «مقامات» بدیع و «احادیث» ابن درید وجود دارد. از آنجمله:

- هر دو با هدف تعلیمی تنظیم شده است.
- تضمین شعر و مثل و اقتباس از قرآن نزد هر دو مشترک است.
- محسنات بدیعی و بیانی در هر دو زیاد و در مقامات قوی تر است. مخصوصاً ذکر نواذر و اخبار و اشاره به وقایع و بزرگان تاریخ و همچنین حکمتها و امثال و نکات و لغات در مقامات برتری دارد.

- موضوع کدیه بین «احادیث» و «مقامات» مشترک است.

- روح حکایت بر «احادیث» و «مقامات» حاکم است

- مشابه مقامه «سدیه» بدیع الزمان ابن درید هم در توصیف آسود آورده است.

- مقامه «وصیت» بدیع الزمان مانند حدیث ابن درید در وصیت عبدا... بن شداد به

فرزندانش است.

- مشابه مقامه «حمدانیه» بدیع الزمان در توصیف اسب ، ابن درید دو حدیث آورده است ، یکی در مورد جوانی است که اسبی خریده و برای ما در کورش توصیف می کند. دیگری توصیف پنج کنیز از اسب پدرانشان است .

- مقامه «صفهانیه» بدیع الزمان که در آن عیسی بن هشام گرفتار اطاله قرائت امام جماعت و پس از آن گرفتار موعظه آن شحاذ زمان ابوزید قهرمان شده است شبیه سخنرانی مرد عرب در مسجد الحرام و دیگر احادیث وارده مبتنی بر کدیبه بعد از نماز است .

- مقامه «شامیه» بدیع الزمان - که در نسخه های موجود حذف شده است در مورد گفتگو و مخاصمه زوجین نزد قاضی شام، شبیه حدیث ابن درید در مورد جدال زن و شوهرش و بدگویی از همدیگر است.

- شبیه آنچه در مقامات بدیع الزمان به صورت وعظ آمده و شبیه مقامات «قریضیه، غیلانیه و جاحظیه» که در شعر و نقد آمده است در احادیث ابن درید هم مشاهده می شود.

علاوه بر حصری ، مرگلیوث هم بدیع الزمان را مبتکر این فن نمی داند و می گوید :

«إِنَّ مَبْتَكِرَ فَنِّ الْمَقَامَاتِ لَيْسَ الْهَمْدَانِيُّ كَمَا اعْتَقَدَ النَّاسُ زَمناً طويلاً»

یعنی مبتکر فن مقامات چنانکه زمانی طولانی مردم معتقد بودند همدانی نیست .

زکی مبارک که زهرالآداب حصری را تحقیق کرده است پس از آن که به رأی حصری رسیده با چاپ مقاله ای ابتکار مقامه رابه ابن درید نسبت داده و این نظر را برای خودش ثبت کرده است وی این جریان را در کتابش - النثر الفنی فی القرآن الرابع - نیز آورده و پیروزمندانه از آن دفاع کرده و شدیداً به حریری می تازد که او این غلط را شایع کرده است . سپس این کشف را برای طه حسین و استادش مسیور مسیه نقل و شگفتنی آنها را بسیار برانگیخته است . در همین زمان مصطفی صادق رافعی با درج مقاله ای در شماره بعد همان مجله بنیاد را بهم می ریزد و با بیان دلایلی به رد نظر حصری می پردازد و با این کار تکیه گاه زکی مبارک سست می گردد .

با توجه به آنچه گفتیم این سؤال پیش می آید که پس از این همه قیل و قال بالاخره رأی

صائب چیست ؟

چنان که گذشت شعرا و ادبای ملتزم و متعهد که با بیان دردها و مسائل اجتماعی به تسکین آلام جامعه همت گماشته حتی گاه در پی درمان و اصلاح برآمده اند برای نسلهای بعد به عنوان مصلحان و طبیبان اجتماعی و نقاشان دوران خود به شمار می آیند. گاه ممکن است این تعهد در آثار شعرا و ادبا کم رنگ شود اما به تصویر کشیدن زندگی اجتماعی اعم از فضایل و رذایل حاکم بر جامعه امری نیست که رنگ بیازد چنان که شعر جاهلی را که حکایت زندگی اجتماعی آن زمان است «دیوان العرب» خوانده اند.

همچنین با اشاره به اوضاع و احوال قرن چهارم گفتیم که نابسامانیهای سیاسی و اجتماعی چون ظلم حاکمان و تکدی فقیران و تعدی سارقان از پدیده های مهم آن دوران بوده است. با تأمل در آثار بدیع الزمان ملاحظه می شود نویسنده از جهت اسلوب و نیز از نظر محتوی نسبت به فضای حاکم بر عصر خویش نه تنها بیگانه نیست بلکه ارتباطی وثیق دارد. در رسائل و مقامات وی سجع به عنوان بارزترین ویژگی نثر فنی با قوت به چشم می خورد. سجع ویژگی است که در نثر دوره های جاهلی، قرآن، احادیث نبوی (ص) و علوی (ع) و آثار ابن العمید، جاحظ ابن فارس و ابن درید و... با شدت و ضعف همواره وجود داشته و اختصاص به زمان دارد لذا کلام مسجع بدیع متأثر از زمان است. موضوع تکدی گری که در مقامات بدیع الزمان بسیار دیده می شود فقط به این درید اختصاص نداشته می توان گفت موضوعات فقر و گدایی و شیادی و سرقت، مسائل اجتماعی عامی بوده که در همه اذهان جای داشته است.

البته در پی آن آن نیستیم که تأثر بدیع الزمان را از ابن درید را به کلی نفی کنیم و او را کاملاً مبتکر بدانیم. از سوی دیگر قائل شدن به تأثر صد در صد هم ظلم بزرگی به استعداد خارق العاده بدیع محسوب می شود.

بدیع الزمان در استعمال لفظ «مقامه» قطعاً مبتکر است و شاید همین باعث شده تا بسیاری او را مبتکر فن مقامات و احادیث بدانند. البته بین این دو گر چه شباهت و اشتراک زیاد است تفاوت هم کم نیست که از آنجمله است.

- کدیه در مقامات غالباً توأم با حيله گری است در حالی که در احادیث با صراحت اعلام

می شود.

-مقامات بدیع مبتنی بر گفتگوی داستانی است و قابل نمایش در صحنه در حالی که احادیث چنین نیست .

-مقامات متکی بر راوی و قهرمان واحد است و معمولاً در همه مقامات تکرار می شود اما احادیث به شکل روایت متکی به اسناد قبلی نوشته شده است .

-سند احادیث ابن درید عربها و غیر عربهای مجهول و ناشناخته بوده و ساخته خود وی است.

پس با ملاحظه این تفاوتها و مواردی دیگر می توان گفت که بدیع الزمان با مطالعه آثار پیشینیان رنگ نپذیرفته بلکه آن را به صبغه خویش رنگین کرده است . به حدی که با قطع نظر از آراء بسیاری از قدماء چون ثعالبی ، قلقشندی ، حریری و معاصرانی چون شوقی ضیف و رافعی حتی زکی مبارک که ابتکار این فن را به ابن درید نسبت می دهد عمل بدیع را اقوی و اظهر دانسته و روش او را از روش ابن درید متفاوت و متأخرین را پیرو ذهنیات بدیع الزمان می داند ضمن آن که به این تفاوت لفظی هم اشاره می کند که ابن درید قصه های خود را « احادیث» نام نهاد و بدیع الزمان آنها را « مقامه» نامید چنان که می گوید :

« وَتَمَّ أَنْ ابْنَ دُرَيْدٍ هُوَ الْمُبْتَكِرُ لِفَنِّ الْمَقَامَاتِ فَإِنَّ عَمَلَ بَدِيعِ الزَّمَانِ فِي هَذَا الْفَنِّ اقْوَى وَاطْهَرُ وَطَرِيقَتُهُ فِي الْقِصَصِ تَخْتَلِفُ عَنْ طَرِيقَةِ ابْنِ دُرَيْدٍ وَالَّذِينَ كَتَبُوا مَقَامَاتٍ بَعْدَ ذَلِكَ لَمْ يَكُنْ فِي أَذْهَانِهِمْ غَيْرُ فَنِّ بَدِيعِ الزَّمَانِ فَهَرُ بِذَلِكَ مُنْتَشِي هَذَا الْفَنِّ فِي اللُّغَةِ وَلَمْ تُسَمَّ تِلْكَ الْقِصَصُ بَعْدَ ذَلِكَ « أَحَادِيثَ » كَمَا سَمَّاهَا ابْنُ دُرَيْدٍ وَأَنَّمَا سَمَّيْتُ « مَقَامَاتٍ » كَمَا سَمَّاهَا بَدِيعُ الزَّمَانِ » .

یعنی با آنکه ابن درید مبتکر فن مقامات است عمل بدیع الزمان در این فن قوی تر و روشن تر است و روش او در داستانش با روش ابن درید فرق دارد و کسانی که پس از آن مقامات نوشتند در ذهنشان جز فن بدیع الزمان نبوده است پس او به این سبب ایجاد کننده این فن در زبان عربی به شمار می رود و آن قصه ها را چون ابن درید « احادیث» نامگذاری نکرده اند بلکه چون بدیع الزمان «مقامات» نامیده شده است .

هم او در جای دیگر بدیع الزمان را از مبتکران بزرگ معرفی می کند : « نَحْنُ مِنْ وَجْهِهِ التَّارِيخِ نَرَى أَنَّ اِبْدَاعَ فَنِّ الْمَقَامَاتِ يُعَدُّ فِتْحًا عَظِيمًا فِي اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ وَلَا بَدَأَ أَنْ يَكُونَ مُعَاصِرُوا بَدِيعِ الزَّمَانِ تَلَفَّتُوا إِلَى فَنِّهِ تَلَفَّتِ الدَّهْشَةُ وَالْاِسْتِغْرَابُ وَعَدُوَّةٌ مِنْ كِبَارِ الْمُبْدَعِينَ »

ما از نقطه نظر تاریخ ملاحظه می کنیم که ابداع فن مقامات فتح باب بزرگی در زبان عربی به شمار می رود و معاصرین بدیع الزمان هم بر فن (مقامات) او باید به دیده شگفتی و نظر عجیب و غریب بنگرند و او را از مبتکرین بزرگ به شمار آورند .

تقلید از مقامات

مقامات بدیع الزمان اعجاب بسیاری از ادباء را بر انگیخت و برخی تلاش کردند توانایی خویش را با تقلید از او به نمایش بگذارند . اول کسی که از بدیع الزمان پیروی کرد ابونصر عبدالعزیز بن نباته (متوفی ۴۰۵ هـ) بود که جز یک مقامه از او ضبط نشده است .

پس از او ابن ناویا عبدا... بن محمد حسین (متوفی ۴۸۵ هـ) چند مقامه نوشت که با مقامات بدیع الزمان اندکی تفاوت دارد . سپس با آمدن حریری فن مقامات به عنوان یک قانون ادبی در سراسر بلاد عربی منتشر شد و در فصاحت و بیان ضرب المثل گردید . وی مشهورترین کسی است که مقامات نگاشته و در انتشار این فن زیبا همت گماشته است .

حریری ابتدا مقامه «حرامیه» را نوشت و مورد توجه وزیر سلطان مسعود قرار گرفت سپس به درخواست وی و به تقلید از بدیع الزمان پنجاه مقامه نوشت تا به عنوان کتاب درسی دانش آموزان مورد استفاده قرار گیرد . حریری در مقدمه مقاماتش در مقابل ابتکار در گفتار و نوشتار بدیع الزمان بسیار تواضع نشان می دهد و می گوید : «فَأَشَارَ مِنْ إِشَارَتِهِ حُكْمَ وَطَاعَتَهُ غُنْمَ إِلَى أَنْ أَنْشَى مَقَامَاتٍ أَلْتَلُو فِيهَا تِلْوَالِ بَدِيعٍ وَإِنْ لَمْ يُدْرِكِ الظَّالِعُ شَأْنَ الضَّلِيعِ ... وَأَنْشَأْتُ ... خَمْسِينَ مَقَامَةً تَحْتَوِي عَلَى جِدَالِ الْقَوْلِ وَهَزْلِهِ وَرَقِيقِ اللَّفْظِ وَجَزَلِهِ وَغُرُورِ الْبَيَانِ وَذُرَّرِهِ وَمُلْحِجِ الْأَدَبِ وَتَوَادِرِهِ إِلَى مَا وَسَّحَتْهَا بِهِ مِنَ الْآيَاتِ وَمَحَاسِنِ الْكِنَايَاتِ وَرَصَّعْتُهُ فِيهَا مِنَ الْأَمْثَالِ الْعَرَبِيَّةِ وَاللِّطَائِفِ الْأَدَبِيَّةِ وَالْأَحَاجِي النَّحْوِيَّةِ وَالْفَتَاوَى اللَّغْوِيَّةِ وَالرِّسَائِلِ الْمُبْتَكِرَةِ وَالْخُطَبِ الْمُخْتَبَرَةِ وَالْمَوَاعِظِ الْمُبْكِيَّةِ وَالْأَضَاحِيكِ الْمُثَلِّهِ».

آنکه اشاره او دستور است و اطاعت از او غنیمت ، خواست تا به پیروی از بدیع الزمان مقاماتی بنویسم هر چند شتر لنگ (کنایه از خودش) به اسب تندرو (بدیع الزمان) نمی رسد پس ۵۰ مقامه نوشتم که مشتمل است بر سخن جد و هزل و لفظ ظریف و استوار و بیانی چون در زیبا و خوش گفتار ، سراسر ظرافتهای ادبی و نکته ، به آیات و کنایات آراسته و مزین به مثلهای

عربی ولطیفه های ادبی وچیستانهای نحوی وفتوهای لغوی ونامه های ابتکاری وخطبه های مزین، موعظه های اشک آور و خنده های وجد آور .

از اشاره او به ویژگیهای مقاماتش برمی آید که کاملاً به مقامات بدیع الزمان اشراف داشته واین تقلید را در جوانب رعایت کرده است . از جهت لفظ مقامات حریری همچون مقامات همدانی بسیار متکی به صنایع لفظی است وگاه به سمت تکلف پیش می رود، هر دو مجموعه از حیث محتوی غالباً بر نکدی بنا شد واز جهت لفظ سرشار از لغات معمول و متداول گاه مهجور و غیر متداول همراه با انواع واقسام صنایع لفظی و معنوی و مثلها و کنایات و روایات است به حدی که گاه خواننده در لابلای واژه ها و یافتن معانی آنها غرق و رشته داستان از دستش‌رها می گردد.

نتیجه

در بررسی نثر فنی از ابتدا تا اوایل قرن ششم چنین برمی آید که نثر همواره با تکیه بر سجع و آرایه های لفظی همراه بوده است . آنچه را بدیع الزمان در قرن چهارم «مقامه» نامید از جهت اسلوب و محتوا قبل از او رایج بود ولی او با به کارگیری استعداد خارق العاده خویش و بهره گیری از اندیشه گذشتگان به بسط مایه های فکری آنان همت گماشت . او در استعمال لفظ «مقامه» برداستانهای خویش و به کارگیری راوی و قهرمان و توسع در محتوا «مبتکر» است . برخی افراد پس از او حکایت‌های کوتاهی به اسم «مقامه» در موضوعات و عطف ، حکمت ، زهد و گدایی و... نوشتند و او را پیشوا و خود را مقلد نامیدند . حریری از میان مقلدان بیشتر از سایرین به پر رنگ کردن مایه های تقلید پرداخت و نثر مسجع سنگین با الفاظ معمول و گاه غریب و مهجور همراه با اشعار بسیار نوشت . نثر حریری مورد توجه بسیاری از ادبای دوره های بعد واقع شد و تلاش کردند تا چون او بیافرینند و در واقع تلاشها به سمت تقلید از حریری متوجه گشت اما تاکنون کسی بر هنر حریری نیفزوده است .

منابع

- ۱- ابن منظور، لسان العرب (۱۹۸۸ م) دار احیاء التراث العربی. بیروت: ماده قام.
- ۲- قرآن کریم. آحزاب ۱۳.
- ۳- همان. فاطر ۳۲/.

- ٤- زهيرين ابى سلمى. (بى تا) ديوان زهير. ص ٦٢. بيروت: دار صادر.
- ٥- ثعالبي، ابو منصور عبدالملك يتيمه الدهر (بى تا) تحقيق الدكتور مفيد قميمه. ج ٣ ص ٢٩٨. دار الكتب العلمية.
- ٦- حسيني، سيد محمد باقر (بى تا) جاحظ نيشابور. ص ٢٦٤. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- ٧- كك، ويكتور (١٩٦١ م) بديعات الزمان. ص ٣٥. بيروت: المطبعة الكاثوليكية.
- ٨- يتيمه الدهر. ج ٤. ص ٢٥٧.
- ٩- زهر الآداب وثمر الآلباب، ج ١ ص ٣٠٥. الحصرى.
- ١٠- زكى مبارك، النثر الفنى فى القرن الرابع المكتبه المصريه. ج ١ ص ٢٥٦. بيروت.
- ١١- بديعات الزمان. ص ٢٤.
- ١٢- الحريرى، ابو محمد مقامات الحريرى. ص ١١-١٤. مصر: المكتبه التجاريه.
- ١٣- زهر الآداب. همان.
- ١٤- همان.
- ١٥- بديعات الزمان. ص ٥٢.
- ١٦- النثر الفنى فى القرن الرابع. ج ١ ص ١٩٨-٢٠٠.
- ١٧- المقتطف، (١٩٣٠ م) شماره ٧٧.
- ١٨- رجوع كنيد به الف (القالى، ابو على. الامالى. مطبعه السعاده بمصر ١٣٧٣ هـ ص ٨٠ و ١٥٢ ب) ضيف. شوقى. الفن ومذاهب فى النثر العربى. دارالمعارف بمصر الطبعة السادسة. ص ٢٤٨.
- ١٩- النثر الفنى فى القرن الرابع. ج ١ ص ٢٤٥-٢٤٦.
- ٢٠- همان. ص ٢٥٠.
- ٢١- همان. ص ٢٤٧.
- ٢٢- مقامات حريرى - همان. ص ٥-٦.